

درنگی بر جریان سلفی گری

## درنگی بر جریان سلفی گری

با توجه به انحراف های گسترده اندیشه وهابیان که با نام سلفی گری در جهان اسلام سرایت کرده، در این نوشتار در پی جریان شناسی این انحراف سلفی گری است که احمد بن حنبل شروع شد و در قرن هفتم توسط ابن تیمیه ساماندهی شد و محمد بن عبدالوهاب به کمک ال سعود به گسترش آن سرعت داد و امروزه نیز توسط روشنفکران عرب چون سید قطب وارد عرصه سیاسی شده است.

نظر به انحراف های گسترده اندیشه سلفیان در جهان اسلام که متاسفانه دامنه آن به حوزه عقاید دیگر مذاهب شناخته شده اسلامی نیز سرایت کرده است؛ می کوشیم تا در خلال نوشتارهایی چند به آسیب شناسی این جریان منحرف فکری بپردازیم.

### "سلفیه" در لغت و اصطلاح

سلفی گری در معنای لغوی به معنی تقلید از گذشتگان، کهنه پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است، اما سلفیه (Salafiyye: اصحاب السلف الصالح) در معنای اصطلاحی آن، نام فرقه ای است که تمسک به دین اسلام جسته، خود را پیرو سلف صالح می دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود، سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام(ص)، صحابه و تابعین دارند. آنان معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است؛ یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علما نباید به طرح ادله ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می گذارد، بپردازند. در اندیشه سلفیون، اسلوبهای عقلی و منطقی جایگاهی ندارد و تنها نصوص قرآن، احادیث و نیز ادله مفهوم از نص قرآن برای آنان حجیت دارد.(1)

از نظر اصول اعتقادی، اهل سنت و جماعت در اشکال کنونی آن، در طیفی میان اشعریه تا سلفیه پراکنده اند و این تمایز از آن رو پدید آمده است که گروهی از عالمان در برخورد با مباحث اعتقادی راهی کلامی و استدلالی را می جسته اند، در حالی که گروهی دیگر، دست یافتن به عقیده ای نجات بخش را در گرو پذیرش نصوص و پیروی شیوه سلف (صحابه و تابعین) در پرهیز از مباحث کلامی و تسلیم نسبت به نصوص شرعی دانسته اند. گونه ای خاص از گرایشهای اعتقادی اهل سنت و جماعت که در گستره ای از تاریخ در مشرق اسلامی از حیاتی ممتد برخوردار بوده، مکتب حنفیان اهل سنت و جماعت، و شکل کلامی شده آن، یعنی مذهب ماتریدیه است (2)

با پدیدار شدن موجی جدید از سلف گرایی نزد حنبلیان از سده 7 ق، تقلیدستیزی به عنوان طیفی از مکاتب حنبلی ظهور یافت. چنین رویکردی در آثار ابن تیمیه (د 728 ق) به عنوان یکی از شاخص ترین چهره های سلفی در سده های میانه دیده می شود و پس از آن هم در آثار پیروان متقدم ابن تیمیه مانند ابن قیم جوزیه (د 751 ق)، به خصوص در کتاب اعلام الموقعین عن رب العالمین این گرایش دیده می شد. در آثار فقیهان معتدل حنبلی در دوره های پسین، تأکید بر عدم جواز تقلید بر مجتهد نهاده شده بود(3)

ظهور ابن تیمیه

یکی از نقاط عطف تفکر سلف گرای ظهور ابن تیمیه حرّانی است. او بعد از آنکه به جای پدرش بر کرسی تدریس و افتاء نشست، عقایدی در مسائل توحیدی و جانبداری از اهل حدیث و پیروی از سلف و مخالفت با سایر گروه های فکری و فرقه های کلامی و فقهی اظهار داشت که در میان مسلمانان اختلاف شدیدی درباره افکار او پدید آمد تا جایی که برخی او را به عنوان رهبر فکری خویش پذیرفتند و برخی نیز او را به شدت انکار کردند و عقاید او را بدعت دانستند و فتوا به قتل یا حبس او دادند. تفصیل دیدگاه ها درباره او مجال دیگری می طلبد. (4)

بعد از وفات ابن تیمیه نیز افکار او مورد توجه اهل حدیث به ویژه حنبلی ها بود و شاگردانش بر مبنای عناصر فکری او دعوت سلفیه را پایه ریزی کردند. در واقع او پلی برای وصول به مذهب سلف صالح به شمار می آید. (5)

### نقطه عطف دیگری در تفکر سلفی گری

در قرن دوازدهم هجری قمری، محمد بن عبدالوهاب نجدی (1206-1115.ق) با طرح مجدد ادعای بازگشت به اسلام اصیل، اندیشه پیروی از سلف صالح را بار دیگر به عرصه منازعات کلامی آورد. او با استناد به «بدأ الاسلام غریبا و سيعود غریبا» معتقد بود که اسلام اصل نخستین را در غربت یافته است؛ از این رو، وی با آنچه خود آن را بدعت و خلاف توحید می خواند، به مبارزه برخاست و مسلمانان را به سادگی اولیه دین و پیروی از سلف صالح دعوت می کرد و مظهر بارز سلف صالح او نیز امام احمد بن حنبل بود.

یکی از آثار عبدالوهاب، التوحید و مختصر سیره الرسول نام دارد. نهضت وی جنبه ضد حکومت عثمانی یافت و پس از آن که امرای سعودی نجد - که حنبلی مذهب بودند - به آیین او گرویدند، وی برای فرمانروایی عثمانی خطر ساز گردید و لذا محمد علی پاشا، خدیو مصر، از جانب سلطان عثمانی برای سرکوب آنان مامور شد. اما علیرغم این سرکوب، با گذر زمان، پیروان محمد بن عبدالوهاب بر نجد و حجاز تسلط یافتند و دولت سعودی کنونی را تشکیل دادند. (6)

### سیر تحول سلفی ها

سلفی ها روایات خود را مستقیما از احمد بن حنبل (متولد 241)، احمد بن تیمیه (متولد 728)، ابن القیم الجوزیه (متولد 751) و محمد بن عبدالوهاب تمیمی نجدی (متولد 1115-1206) می گیرند. سلفیه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت یک شکل و ساختار سیاسی درآمد و هم پیمانی وی با محمد بن سعود پایه گذار حاکمیت آل سعود در عربستان به این روند تسریع بخشید. پیوند میان علما و حاکمان سعودی گرچه دچار تغییر و تحول شده است و شیوخ وهابی از برخی اختیارات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند اما در عین حال هنوز هم از وضعیت و جایگاه خوبی در نظام سیاسی سعودی برخوردار هستند. علاوه بر سرزمین حجاز، مصر نیز از تغییر و تحولات عقیدتی برکنار نماند و سلفی های این کشور با اقدامات و فعالیت های حسن البناء و جنبش اخوان المسلمین، سیر جدیدی در آموزه های عقیدتی اهل سنت تجربه کردند و باب های جدیدی برای این گروه جهت گشودن روزنه های محدود اجتهاد باز شد. اما با مرگ زودهنگام حسن البناء جنبش اخوان المسلمین تحت تأثیر اندیشه های دو شخصیت، به نام های ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبیت روش پای بندی به متون دینی بر اساس دیدگاه های خاص فقهی خود، دیدگاه تکفیر را پی ریزی کردند.

سید قطب که تحت تأثیر اندیشه های ابن قیم جوزی در خصوص رفتار با اهل کتاب بود این اعتقاد را داشت که اهل کتاب تا زمانی که جزیه پرداخت می کنند می توانند در سرزمین های اسلامی با آرامش زندگی کنند در غیر این صورت مسلمانان باید با آنان به جهاد بپردازند. حمایت عربستان و کشورهای حاشیه ای خلیج فارس هماهنگی فراوانی میان سلفیون سنتی و

جنبش اخوان المسلمین ایجاد کرد. از سویی دیگر دیدگاه ضد سوسیالیسم سلفیون جدید به خصوص در جریان جنگ‌های نیروهای جهاد افغانستان با شوروی مورد توجه شیوخ وهابی عربستان قرار گرفت. (7)

پی نوشت ها

1. علی اصغر فقیهی، وهابیان، انتشارات صبا، 1352، چاپ اول، ص 20

1. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 10، اهل سنت و جماعت  
3. همان، ج 16، تقلید

1. شناخت سلفیه - معناشناسی، تاریخچه پیدایش و تحولات آن، دکتر علی الله بداشتی

2. دعوه شیخ الاسلام ابن تیمیه و اثرها علی الحركات الاسلامیه المعاصره، ص 159

مقصود فراستخواه، سرآغاز نواندیشی معاصر، شرکت سهامی انتشار، 1377، چاپ سوم

ص 129

4. فتاح غلامی، نگاهی به جریان سلفی ها